

حق مداری در رسانه‌ها از دیدگاه قرآن

تصانیف و آثار

ساجده سادات مرتضوی

استادیار گروه‌های باطن‌شناسی و فلسفه

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان

استادیار گروه‌های باطن‌شناسی و فلسفه

چکیده:

کلید واژه:

حق مداری، رسانه، حق گوئی، حق جوئی

با مطالعه در آیات قرآنی درمی یابیم که بنیان اسلام بر اساس حق و حقیقت استوار شده است و یکی از رموز جاودانگی و زوال ناپذیری آیات قرآنی استواری آنها بر اساس حق می باشد. چنانچه در آیه ای از آیات قرآن کریم چنین آمده:

رسانه‌ها و اصل حق مداری:

بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فانها هو
زاهق (انبیاء-۱۸)

بدون تردید اصحاب رسانه همچون دست اندرکاران تدوین یک روزنامه، مجله یا تلویزیون، اعم از سردبیران، خبرنگاران، طراحان هنری، و... در هر یک از مراحل کاری خویش، معیار و میزانی را برای گزینش پیش رو دارند.

در این آیه خداوند متعال به غلبه ی حق بر باطل و زوال پذیری باطل اشاره می کند.

انتخاب یک رویداد از میان انبوه رویدادها، نحوه ی تبدیل آن به خبر و چگونگی نقل آن، وارد نمودن پیش فرض ها و دیدگاه های شخصی در تهیه ی گزارش ها، اهمیت دادن به برخی از ابعاد یک رویداد و بی توجهی به سایر ابعاد، کیفیت برگزاری یک مصاحبه و تنظیم سوالات و ده ها مساله ی دیگر وجود دارند که هیچ کدام خالی از نوعی گزینش نمی باشد. درحقیقت هر جا گزینشی وجود داشته باشد نوعی داوری در میان است و داوری نیز بدون معیار و میزان امکان پذیر نخواهد بود.

با توجه به اهمیت حق در منظر قرآن که خود بزرگ ترین رسانه برای افراد انسان در همه ی اعصار و دوره ها می باشد، درمی یابیم که رسانه های اسلامی نیز موظف به اعمال حقیقت در تمام عرصه های فعالیت خود می باشند. که یکی از مهم ترین آنها عرصه ی خبرگزاری می باشد. رسانه ها موظفند درباره ی اخبار موضع گیری مبتنی بر حق داشته باشند و به طور کلی تمامی تصویرها و برنامه ها را طوری تنظیم کنند که موجب هدایت و کمال انسان ها گردد.

اما در مورد این مساله که آیا در این میان معیار و میزان عمومی وجود دارد یا نه، می توان با گذر بر آیات شریف قرآن کریم و میراث ارزشمند امامان معصوم (ع) به اصلی کلی در این زمینه دست یافت که قابلیت





این برداشت از آیات که حق گویی در اخبار به معنای تفسیر و تحلیل دقیق و صحیح است با معنای لغوی و بیان مفسران نیز سازگار است. در لغت حق را امر زایل نشدنی دانسته اند که این معنا با صدق و کذب سازگار نیست. (راغب اصفهانی، ص ۱۲۵) (پویا، ص ۱۳۲)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ی ۳ سوره مبارکه آل عمران: (نزل علیک الکتاب بالحق) چنین آورده است: «به طور کلی حق و صدق عبارت است از خبر مطابق با واقع، با این تفاوت که چنین خبری را از آن جهت که در مقابله و واقعیتی خارجی وثابت وجود دارد حق گویند و از این جهت که خود خبر مطابق با آن واقعیت خارجی است صدق می نامند.» (طباطبایی، ج ۳، ص ۹) (پویا، ص ۱۳۴)

در برخی دیگر از آیات قرآن موضع مقابل حق به عنوان بازی و شوخی مطرح شده است. هنگامی که حضرت ابراهیم (ع) با اقدامات و بیانات خود به سستی و اشتباه بودن عقاید و افکار قوم بت پرست زمان خود می پردازد، آنان از او می پرسند که آیا حرف حقی داری یا ما رابه بازی و شوخی گرفته ای؟

(قالوا اجئتنا بالحق ام انت من اللاعین)
انبیاء-۵۵.

در سخنان مخاطبان حضرت ابراهیم (ع) در می یابیم که مخاطب به دنبال کسب اعتماد نسبت به صحت تحلیل پیام و جدی بودن آن می باشد و به همین جهت که مخاطب به طور طبیعی و بر اساس فطرت در برابر خبر مردد است، پس رسانه نیز می بایست در ارسال پیام با درک صحیح این ویژگی مخاطب، موضع گیری خود در مسائل مختلف (به ویژه خبر) را به نحوی عرضه کند که اعتماد مخاطب جلب شود و دیدگاه رسانه به طور جدی و به دور از تحلیل های سطحی، منفعت طلبانه تجلی نمایند. (پویا، ص ۰۴۱) اکنون لازم می باشد که به بیان و شرح برخی از زوایای این اصل مهم از دیدگاه قرآن و روایات بپردازیم: حضرت علی (ع) در چندین مورد به فضیلت حق اشاره میکنند، چنان چه می فرمایند:

« الحق سیف قاطع، الحق افضل سیل، »
الحق اقوی ظهیر، (آمدی، ص ۶۸)

■ آگاهی عمیق نسبت به واقعیت:

یکی از نکات حائز اهمیت که منجر به گفتن حق می شود، آگاهی عمیق انسان ها نسبت به واقعیت می

به کارگیری در تمام ابعاد و مراحل فعالیت رسانه ای را به عنوان معیاری برای گزینش و انتخاب دارد و آن چیزی نیست جز اصل «اصالت حق» یا «حق مداری». انسان هم به الزام دین و هم به حکم خرد موظف به حق گرایی میباشد و شاید کمتر اصل اخلاقی و ارزشی به چنین وسعتی وجود داشته باشد، به این معنا که حق مداری هم در ساحت اندیشه و اعتقاد مطرح می شود و هم در صحنه ی کردار و عمل. انسان حق گرا همواره در پی آن است که معارف خود را بر اساس حق بنا کند و آن را از نفوذ هرگونه اعتقاد باطل و ناروا نگاه دارد. جان و دل انسان حق مدار در مقابل حقیقت خاضع می باشد و به هیچ بهایی حاضر به انکار حقیقت نمی باشد. چنین انسانی همواره تلاش می کند که اعمالش از محدوده ی حق فراتر نرود و دست خود را به اعمال زشت و ناپسند آلوده نکند. انسان حق مدار کسی است که در پی یافتن حق است و آن گاه که آن را می جوید، اعمال خویش را با آن مطابق می کند. قرآن کریم و امامان معصوم (ع) در جای جای سخنان خود همواره به این واقعیت اساسی اشاره می کنند و از آن پرده بر می دارند. (رویکرد اخلاقی در رسانه ها، ص ۹۵) (شصت فولادی، ص ۹۱)

■ تفاوت حق گویی با واقع گویی:

بر پایی و اظهار حق، از برجسته ترین ویژگی های مثبت بشری است که در برخی از آیات قرآن کریم به آن اشاره شده است. از بررسی آیات قرآن به این نتیجه می رسیم که حق گویی یا واقع گویی تفاوت دارد. به طور مثال واقع گویی در خبر به صدق و کذب خبر و عرضه ی مطابق با واقع و به دور از تحریف آن باز می گردد و از این رو واقع گویی در مقابل دروغ گویی قرار دارد. اما حق گویی، به نحوه ی تفسیر و تحلیل درباره ی رویدادها می باشد و نوعی قضاوت و اعلام نظر در مورد مفاد خبر است. از این رو حق گویی در برابر باطل گویی قرار دارد و به همین جهت قرآن در برخی از آیاتش، فاصله گرفتن از حق گویی را رفتن به سوی باطل دانسته و این دو را در مقابل هم ذکر کرده است:

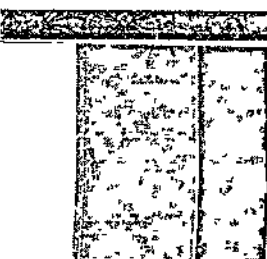
(یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتمون الحق وانتم تعلمون) (آل عمران- ۷۱)

هم چنین از کاربرد وصف «حق» در آیات دیگر، این موضوع بیشتر روشن می شود که حق گویی در خبر به تفسیر صحیح و به دور از کژی بر می گردد:

(ان هنا لیهو القصص الحق) (آل عمران- ۲۶)

«دع القول فیما لا تعرف والخطاب فیما لم تکلف و
أسک عن طریق اذا خفت ضلالتة» (همان)
«من ترک قول لا ادری اصیت مقاتله» (همان)

فرونگذارند و از هر طریق مشروعی برای کسب خبر به
بهترین نحو ممکن بهره گیرند. دوم آن که، پس از دریافت



«لا تقولوا فيما لا تعرفون فان اكثر الحق فيما تنكرون» (همان)

■ بیان حق و پرهیز از عدم بیان حق:

حضرت رسول اکرم (ص) در این باره می فرماید:

«قل الحق ولو على نفسك» (پاینده، ص ۵۴۵)

■ و در جای دیگری در خصوص اهمیت فرا گرفتن حق می فرماید:

«سخن حق را از گمراهان و اهل باطل فرا گیرید و سخن باطل را از اهل حق نیاموزید.» (فلسفی، ج ۱، ص ۳۷۴)

یکی از یاران امام سجاد (ع) از ایشان درخواست کرد که او را از جمیع طرق و مناهج دین آگاه سازد. حضرت در پاسخ او به قدر جامع تمام روش های اسلامی از سه مساله ی انسانی و اخلاقی نام برد:

«سخن حق، حکم به عدل، وفای به عهد.» (فلسفی، ص ۱۲۸)

از حضرت علی (ع) نیز روایات زیادی در این باره آمده است، از جمله:

«اخصر الناس من قدر على ان يقول الحق ولم يقل» (آمدی، ص ۷۰)

«قولوا الحق تنموا واسكنوا عن الباطل تسلموا» (همان)

«من قال بالحق صدق» (همان)

«من استحيا من قول الحق فهو احمق» (همان)

«اصدق القول ما طابق الحق» (همان)

■ عمل به حق:

هر انسان حق طلبی موظف می باشد که پس از این که حق برایش آشکار گردید و به آن دست یافت، در صحنه ی عمل نیز خود را موظف به اجرای آن بداند و عمل خود را مطابق آن نماید. حضرت علی (ع) به این نکته اشاره می نماید:

«حق و باطل و لكل اهل فلتن امر الباطل لقديم
فعل ولئن قل الحق فدریما ولعل» (نهج البلاغه
خطبه ۱۶)

حضرت در این خطبه به نزاع قدیمی که میان حق و باطل بوده است اشاره می کند و هر یک را دارای پیروانی می داند و با وجود این که اکثراً حق پیروان اندکی دارد، برای او قدرتی بزرگ قائل است.

و در سخنی دیگر حق را شایسته ترین چیز برای تبعیت می داند:

«الحق احق ان يتبع» (آمدی، ص ۶۹)

حضرت در بیانی دیگر به داوری دادگراانه اشاره می کند و می گوید: داوری دادگراانه تنها بر مبنای حق شکل می گیرد:

«اعدل الخلق افضاهم بالحق» (همان)

و در جایی دیگر صراحتاً به عمل به حق اشاره می نماید:

«كن عالما بالحق عاملا به ينجك الله
سبحانه» (آمدی، ص ۷۱)

■ حضرت علی (ع) بهترین امور را آن می داند که چهره ی حق را آشکار کند:

«خير الامور ما اسفر عن الحق» (همان)

آیا بیان حقیقت در هر موقعیت و شرایطی جایز می باشد؟ در بعضی موارد به علت پاره ای از ملاحظات اخلاقی می بایست از بیان و انتشار برخی از اخبار پرهیز نمود. در متن قرآن کریم نیز در چند مورد، توریه (پنهان کردن حق یا نشان دادن آن به شکلی دیگر)، صورت گرفته و در پاسخ به این پرسش که آیا هر حقیقتی باید در هر موقعیتی بیان شود یا نه، چنین فرموده است: مورد اول در ماجرای بت شکنی حضرت ابراهیم (ع) می باشد:

(قال بل فعله كبيرهم هذا فاسألوه ان كانوا
ينطقون) (انبیاء-۶۳)

وی پس از شکستن بت ها تیر را بر دوش بت بزرگ آویخت و در پاسخ به این پرسش بت پرستان که چه کسی بت ها را شکسته است، فرمود: بت بزرگ این کار را انجام داده است.

مورد دیگر، ماجرای حضرت یوسف است. آن حضرت برای آن که کاری کند تا برادرانش شرمند یا مرتکب اشتباه دیگری نشوند و حضرت یعقوب (ع) را به مصر آورند، دستور داد پیمانه ی مواد غذایی را در ظروف آذوقه ی آن ها پنهان کنند و با صحنه سازی، آن ها را به دزدی متهم سازند. (یوسف-۸۰ تا ۷۰)

به این ترتیب گاهی به حکم ثانوی، پنهان داشتن حق جایز شمرده می شود. لذا رسانه ها نیز که در کنار اطلاع رسانی، وظیفه ی حفظ مصالح جامعه را نیز به عهده دارند، باید به این رویه بیشتر توجه کنند و در شرایط ویژه و حساس که بازگویی حقیقت موجب برپایی



فساد در جامعه می شود، از افشای آن بپرهیزند. (شصت فولادی، ص ۲۰)

حضرت علی (ع) در یکی از سخنان حکمت آمیز خود می فرماید:

« لا تقل ما لا تعلم بل لا تقل کل ما تعلم فان الله سبحانه قد فرض علی جوارحک کلها فرائض یحتج بها علیک یوم التیامه » (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

امام علی (ع) در این سخن شیوا علاوه بر آن که مسئولیت انسان در قبال عملکرد اعضای خود، از جمله گفتار و نوشتار را گوشزد می کند، به این نکته تاکید می ورزد که هر سخن درستی را نیز نباید به زبان آورد و یا نوشت. آری، ملاحظات فراوان دیگری نیز وجود دارد که می تواند در روایی یا نا روایی اظهار یک خبر یا مطلب موثر باشد. برخی از ملاحظات به خصوصیات مخاطبان (ویژگی های روانی، عاطفی، معرفتی و ...) باز می گردد و برخی دیگر نیز ناشی از شرایط محیطی ارایه کننده و گیرنده خبر است. ضرب المثل شایعی در میان ما هست که می گویند: « دروغ گفتن حرام است اما راست گفتن واجب نیست ».

به طور مثال گاهی لازم می باشد از ذکر جزئیات یک جنایب فجیع برای عموم مردم، به دلیل آثار سوئی که بر روان و اخلاق عمومی دارد، بپرهیز نمود و یا از نقل بعضی مسائل برای کودکان و نوجوانان اجتناب کرد. گاه نیز محدودیت های فکری مخاطبان، مانع از بازگو کردن بسیاری از حقایق می گردد. در این زمینه نیز تعالیم بلندی از اولیای دین به ما رسیده است. از جمله کلام مشهور پیامبر (ص) که می فرمود: « ما گروه پیامبران با مردم به اندازه خرد آنها سخن می گوئیم » (مطبوعات اسلامی، ص ۱۹۸).

یکی از بارزترین مصادیق محدودیت های اخلاقی موقعی است که نشر یک خبر سبب هتک عفت عمومی گردد. امام علی (ع) در نهی از نشر مطالبی که با عفت عمومی ناسازگار است می فرماید:

« ایاک و مستهجن الکلام فانه یوغر القلب » (آمدی، ص ۲۱۴).

و در سخن دیگری به لزوم دقت در تناسب موقعیت زمانی و مکانی نشر کلام اشاره می نماید:

لا تتکلن انما لم تجد للکلام موقعا (آمدی، ص ۲۱۳).

البته تاکید بر محدودیت های عرضه ی اخبار و مطالب نباید خبرنگار مسلمان و متعهد را از جانب

افراط به تفریط کشاند. در این شرایط نیز حفظ اعتدال کمال مطلوبی است که البته راه یافتن به آن چندان ساده نیست. روزنامه نگار حق مدار کسی است که در صورت فراهم آمدن شرایط از

اظهار حق چشم پوشی نمی کند و هر فرصت مناسبی را برای ارتقای سطح آگاهی های مردم مغتنم می شمارد.

حضرت علی (ع) می فرماید:

لا تمسک عن اظهار الحق اذا وجدت له اهلا (آمدی، ص ۷۰) (مطبوعات اسلامی، ص ۱۸۳)

اکنون به برخی موارد لزوم خودداری و جلوگیری از نشر برخی از اخبار اشاره می کنیم:

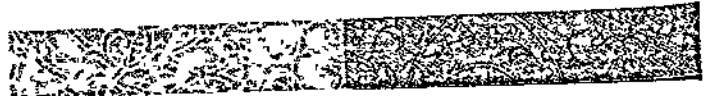
■ یکی از مهم ترین این موارد زمانی است که نشر یک خبر موجب برانگیخته شدن آشوب های داخلی و از بین رفتن وحدت ملی گردد. بدیهی است که در این مورد، عقل و دین آدمی را ملزم می کند که سکوت کند و اخباری را که از آن آگاه است، در سینه ی خود نگه دارد تا آن زمان که شرایط اظهار آن فراهم شود.

پس از وفات پیامبر (ص)، عباس ابن عبدالمطلب و ابوسفیان پیشنهاد بیعت به امام علی (ع) دادند و امام که به خوبی بر اغراض ابوسفیان و اوضاع و شرایط سیاسی آن زمان واقف بود، از این عمل سر باز زد و در پاسخ به آن ها به خطبه ای اکتفا کرد که در بخشی از آن بدین واقعیت اشاره می کند که از اخباری آگاه است که اظهار آن به آشوب و اختلاف می انجامد. (نهج البلاغه - خطبه ۵)

■ یکی دیگر از موارد حفظ اسرار، حفظ اخبار جنگی می باشد. بدیهی است که افشای اسرار جنگی، به ویژه در دوران نبرد، می تواند عواقب جبران ناپذیری برای سپاه اسلام داشته باشد.

امام علی (ع) در یکی از نامه های خویش به مرزبانان به این واقعیت اشاره می کند:

« الا وان لکم عندی ان لا احتجز دونکم سرا الا فی الحرب » (نهج البلاغه - خطبه ۵۰)





آن در دادگاه اعلام شود. اما سخن در این جاست که بر اساس اصول اخلاقی قاعده اولی آن است که حریم خصوصی افراد با افشای عمومی اسرار آنان آسیب نبینند (مطبوعات اسلامی، ص ۱۸۶)

■ همان گونه که در سطرهای قبل آمده، اصحاب رسانه باید، در ارائه یک سری از مسائل شأن و منزلت، شنونده ی خویش را در نظر گرفته و از ارائه مطالبی که به هر دلیل تناسبی با وضعیت روحی و معرفتی مخاطب ندارد، پرهیز نماید. بنابراین، یکی دیگر از موارد لزوم سکوت و کتمان خبر موقعی است که مخاطب اهلیت و شایستگی دریافت آن را ندارد. حضرت علی (ع) در یکی از خطبه های خویش پرده از این حقیقت برمی دارد که سینه اش مالا مال از اخبار و اسراری است که تنها خواص یارانش را شایسته شنیدن آن می داند و برای پیشگیری از انحراف آرای مردم از نقل عمومی آن اجتناب می کند:

« والله لو شئت ان اخبر كل رجل منكم بمخرجه و مولجه و جميع شانه لعلت و لكن اخاف ان تكفروا فی برسول (ص) الا و انی مفیضه الی الخاصه ممن یومن ذلك منه والذی بعثه بالحق و اصطفاه علی الخلق ما انطق الا صادق و قد احد الی بذالك كله و مهلك من یهلك و متجی من ینجو و مال هذا الامر ». (نهج البلاغه - خطبه ۱۷۴) (مطبوعات اسلامی، ص ۱۹۹)

■ از دیگر مسئولیت های اخلاقی اصحاب رسانه، حفظ حریم زندگی خصوصی افراد و پرهیز از افشا اسرار آنان است. در جامعه اسلامی، حفظ حریم و آبروی افراد لازم می باشد و تا آن زمان که ضرورتی ایجاب نکند، هیچ کس حق ندارد با آشکار کردن اسرار پنهان مردم، اسباب هتک آبرو و لکه دار شدن شخصیت اجتماعی آنان را فراهم کند. در قرآن نیز به همین مطلب اشاره شده است:

(یا ایها الذین امنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون) (انفال - ۲۷)

امام علی (ع) در برخی از سخنان خویش پس از اشاره به اینکه مومنان در کوران مفاسد و فتنه های اجتماعی اهل نجات و رستگاری اند، آنان را چنین وصف می نمایند:

« لیسوا بالمساییح و لا المناهیح البذر » (نهج البلاغه - خطبه ۱۰۲)

البته همانطور که در سطر های قبل اشاره شد، گاهی مصالحی اقتضا می کند که اسرار و مسایل خصوصی افشا گردند. به طور مثال چه بسا در محاکم قضایی رسیدگی به یک پرونده ایجاب کند که تحقیقاتی درباره ی امور و روابط خصوصی افراد انجام شده، نتایج

◆ منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
- ۱- آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
 - ۲- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم.
 - ۳- پویا، علیرضا، ۱۳۸۳، خیر و خیررسانی در قرآن کریم، تهران، دانشکده صداوسیما.
 - ۴- رأغب اصفهانی، بابی للقاسم، ۱۴۰۴، المفردات فی غریب القرآن، قم، دفتر نشر کتاب، چاپ دوم.
 - ۵- رویکرد اخلاقی در رسانه ها، ۷۳۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز تحقیقات و توسعه رسانه ها.
 - ۶- شصت فولادی، کیان، ۱۳۸۵، اخلاق مطبوعات، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما.
 - ۷- طباطبایی، محمدحسین، بی تا، تفسیر المیزان، قم، جامعه المفسرین.
 - ۸- فلسفی، محمدتقی، ۱۳۶۸، الحدیث، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 - ۹- مطبوعات اسلامی، ۱۳۸۲، قم، موسسه اطلاع رسانی اسلامی مرجع، چاپ اول.